بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (خلل قبله) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین

# [مرور گذشته]

مرحوم آقای خویی به استدلال به صحیحه حلبی[[2]](#footnote-2) برای تقیید روایات مطلقی که شامل عناوین ثلاثه جهل، نسیان و غفلت بودند اشکال کرده بود.

بر اساس مستفاد از عبارات موسوعه[[3]](#footnote-3)، مورد روایت جایی است که اعمی امام‌جماعت قوم شده است بدون اینکه تحری کند بهٔ طرف غیر قبله نماز خوانده است؛ ولی مامومین تحری کرده‌اند و بر اساس تحری به طرف دیگر نماز خوانده‌اند و بعد از اتمام نماز به اعمی خبر داده‌اند که نمازت به قبله است و از طریق تحری مامومین برای امام کشف خلاف شده است لذا روایت مربوط به انکشاف در وقت است و در چنین موردی امام علیه السلام فرموده است امام اعاده کند ولی مامومین اعاده نکنند.

# [مناقشات به فرمایش اقای خویی]

نسبت به فرمایش اقای خویی دو مناقشه وجود دارد:

## [مناقشه اول]

ظاهر روایت این است که اینجا که مامومین با اعمی نماز خوانده‌اند، نماز هر دو به جهت واحده بوده است که آن جهت غیر قبله بود و این غیر قبله بودن بعد از فراغ از نماز کشف شده است و برای همه انحراف از قبله رخ داده است و امام چون تحری نکرده است بر او اعاده واجب است ولی مامومین ولو نماز اینها منحرف از قبله بود ولی چون تحری کرده بودند اعاده واجب نیست لذا این انحراف از قبله برای امام و ماموم باهم واقع شده است و ظهور خطا برای جمیع بوده است -به تعبیر جواهر- نه اینکه ظهور خطا فقط برای امام باشد و مامومین منحرف نبوده‌اند.

### [تصویر ظهور خطا برای امام و ماموم]

ظهور خطا برای جمیع با این فرض که امام جماعت تحری نکرده است ولی مامومین تحری کرده‌اند اصلاً چگونه تصویر می‌شود و به چه صورت متصور است؟!

#### [الوافی]

تحقق این فرض باید به نحوی باشد که در الوافی مرحوم فیض کاشانی[[4]](#footnote-4) آمده است که امام جماعت جلو افتاده است و بدون اینکه تحری کند، نماز را آغاز کرده است و مامومین به خیال اینکه امام تحری کرده است به او اعتمادکرده اند و تحری مامومین به اعتماد به امام بوده است.

#### [استبعاد صاحب جواهر]

مرحوم صاحب جواهر در صلاه الجماعه[[5]](#footnote-5) فرمودند حمل روایت بر این معنا (که امام چون تحری نکرده است و مقصر بوده است اعاده کند و مامومین چون تحری کرده‌اند و مقصر نبوده اند اعاده نکنند ) بعید است زیرا وظیفه اعمی در نماز این است که برای تشخیص قبله به مامومین مراجعه کند نه اینکه مامومین به اعمی مراجعه کنند بلکه قضیه عکس است.

##### [نقد استبعاد صاحب جواهر]

این استبعاد مرحوم صاحب جواهر صحیح نیست زیرا اگر چه وظیفه اعمی مراجعه به افراد دیگر است؛ ولی تعیّن ندارد که اعمی به خصوص مامومین رجوع کند و راه‌های دیگری برای تشخیص قبله از غیر مامومین نیز ممکن است لذا ممکن است اعمی نماز را شروع کرده است و مامومین فکر کرده‌اند اعمی از اهلش پرسیده و تحری کرده است و مامومین نیز به این خیال به او اعتماد کرده‌اند و نمازش را صحیح و مستقبل القبله فرض کرده اندو بعد کشف خلاف شده است لذا اینکه فرض الاعمی رجوع به غیر است به معنای رجوع به خصوص مامومین نیست بلکه به هر شخص بصیری می‌تواند مراجعه کند.

لذا حمل روایت بر تفسير مرحوم فیض در وافی اشکال ندارد و اگر روایت حمل بر این معنا شود با توجه به اینکه در روایت شاهدی نیست که انکشاف خلاف در وقت بوده است مفاد روایت مطلق می‌شود اعم از انکشاف داخل و خارج وقت خواهد بود لذا اختصاص به انکشاف خلاف داخل وقت در بیان اقای خویی صحیح نیست و دوباره این روایت صلاحيت تقیید مطلقات شامل عناوین ثلاثه را خواهد داشت .

#### [اشکال اقای بروجردی به صحیحه حلبی]

با توجه به جواب از استبعاد صاحب جواهر معلوم می‌شود اشکالی که اقای بروجردی نسبت به مضمون روایت حلبی کرده‌اند، این اشکال هم وارد نیست:

در تبیان الصلاه اینگونه آمده است:

 «و قد یستشکل فی الروایة نظرا إلی أنّه ما الفرق بین الأعمی و غیره، حتی تجب الاعادة علیه دون غیره، لأنّ الاعمی أیضا دخل فی الصّلاة حتماً بعد السؤال و الفحص عن القبلة، فدخل فیها بعد التحری و الاجتهاد مثل القوم فما الفرق بینه و بینهم حتی یقال: یعید و لا یعیدون، معللا بأنّهم قد تحرّوا، فهذا سبب لو هن الروایة» [[6]](#footnote-6)

با توجه به اینکه از جهت تحری بین امام وماموم فرقی نیست لذا تفصیل در روایت قابل التزام نیست

##### [پاسخ از اشکال اقای بروجردی]

گر چه وظیفه اعمی در نماز، تحری و فحص است و اينکه بعد از تحری وارد نماز شود اما اینکه شخصی اعمی وقتی وارد نماز شده است حتماً تحری کرده است یقینی نیست و ممکن است تحری نکرده وارد نماز شده باشد و مامومین هم از باب حمل بر صحت خیال کرده‌اند که امام تحری کرده است لذا حتمیتی در کار نیست و حتی بدون تحری شخص وارد نماز شود منافات با عدالت هم ندارد چون این کار حرمت ذاتی ندارد و کار خلاف شرعی نیست نهایتاً این است که نمی‌تواند به این نماز اکتفاء کند مخصوصاً در مورد اعمی که پیش خود می‌گوید این سمتی می‌خوانم و اگر قبله این سمت نبود اعاده می‌کنم.

##### [پاسخ دوم از اشکال اقای بروجردی]

مقرر در کتاب تبیان الصلاه بعد از اینکه این اشکال را نقل کرده است درتعلیقه نوشته است که در مجلس بحث به اقای بروجردی عرض شد که در این روایت به صراحت امام علیه السلام بیان فرموده است که مامومین چون تحری کرده‌اند لذا اعاده ندارند و از این تعلیل معلوم می‌شود که امام جماعت چون تحری نکرده است باید اعاده کند ، حداقل احتمال داده می‌شود که قضیه مورد سوال بین سائل و امام معلوم بوده است که اعمی بدون تحری بوده است ولی در مقام نقل همه خصوصيات نقل نشده است و احتمال وجود خصوصیتی بین امام و سائل است که بر اساس آن مطلب امام اینگونه حکم را فرموده است وقتی امکان این خصوصیت مطرح باشد دیگر وجهی برای رفع ید از این روایت واضح الدلاله وجود ندارد

 «أقول: قلت فی مجلس البحث بعد ما أفاد مدّ ظله ما تقدم: بأنّه بعد صراحة قول الإمام علیه السّلام فی عدم وجوب الاعادة علی القوم، لأنّهم قد تحرّوا، فیمکن أن یکون المعلوم بین السائل و الامام علیه السّلام بأن الاعمی دخل بغیر التحری و لم ینقل تمام القضیّة فی الروایة فبعد إمکان ذلک لا وجه لرفع الید عن ظاهر قوله علیه السّلام من أن وجه عدم وجوب الإعادة علی القوم کان من باب تحرّیهم، و وجوب الإعادة علی الاعمی کان من باب عدم تحریه فسکت مدّ ظله و لم یقل شیئا و لعله استرضی مدّ ظلّه ما قلت. (المقرر)» [[7]](#footnote-7).

## [مناقشه دوم به فرمایش اقای خویی]

### [بازتقریر مدعای اقای خویی]

بنابر مدعای آقای خویی صحیحه حلبی اختصاص به انکشاف در وقت دارد ؛ در اینصورت مفاد روایت این است که انحراف از قبله با انکشاف خلاف در وقت اگر بدون تحری باشدموجب وجوب اعاده است ولی اگر با تحری باشد اعاده ندارد و این مفاد فی حد نفسه اطلاق دارد چه انحراف یسیر چه انحراف کثیر را شامل است لکن دراین ذیل صحیحه حلبی فرموده‌اند که ما اطلاق از حیث انحراف یسیر و کثیر را تقیید می‌کنیم به روایاتی که مابین مشرق و مغرب قبله است و با آن روایات این اطلاق روایت حلبی تقیید می‌شود در کلام اقای خویی اینگونه امده است در روایت حلبی بافرض انکشاف خلاف در وقت که اگر تحری نکرد ولو معذور هم باشد مثل ناسی، باید اعاده کند و ما این اطلاق را به واسطه روایات ما بین المشرق و المغرب قبله تقیید می‌زنیم لذا در نتیجه در مورارد غفلت و نسیان -که عدم تحری است- اگر انحراف یسیر باشد اعاده ندارد و اگر انحراف کثیر باشد اعاده دارد لذا تقیید در کلام اقای خویی در قسمت عدم وجوب اعاده است و فرموده‌اند چون در روایات مابین المشرق و المغرب آمده است که انحراف یسیر معفو است لذا صحیحه حلبی اختصاص پیدا می‌کند به انحراف کثیر و شخص اگر تحری نکرده است درانحراف يسير در فرض نسیان یا غفلت اگر در وقت هم کشف خلاف بشود دیگر اعاده لازم نیست.

[بیان مناقشه]

پس از تقیید روایت حلبی با روایات مابین المشرق والمغرب، صحیحه با تمام مفادی که دارد هم در قسمت عدم تحری و هم قسمت تحری اختصاص به انحراف کثیر می‌یابد زیرا این روایات (مابین المشرق و المغرب قبله است )حاکم بر سایر روایات صلی علی غیر قبله است و منظور از روایات صلی علی غیر قبله مخصوص انحراف کثیر است و در صحیحه حلبی که مختص به انکشاف در وقت شده است مفاد این صحیحه بالحکومه دو قسمت خواهد بود:

 - اگر در انحراف کثیر و انکشاف خلاف در وقت تحری نشده باشد اعاده واجب است

 - اگر در انحراف کثیر تحری شده باشد اعاده واجب نیست ولو انکشاف خلاف داخل وقت باشد

لکن حمل روایت بر اين معنا قابل التزام نیست زیرا این مفاد که در انحراف کثیر با انکشاف خلاف در وقت حتی خود مورد تحری حکم عدم اعاده است با مفاد روایت سلیمان بن خالد[[8]](#footnote-8) سازگار نیست زیرا در صحیحه سلیمان بن خالد در فقره اول دلالت می‌کند بر لزوم اعاده در انحراف کثیر با انکشاف در وقت حتی در مورد تحری – چون در روایت تعبیر "الْوَقْتُ فَحَسْبُهُ اجْتِهَادُه" وارد شده است که این یعنی شخص تحری کرده است یعنی وقتی بعد از وقت این تعبیر وارد شده است پس در قبل از وقت نیز این تحری و اجتهاد رخ داده است - لذا اگر صحیح حلبی را مختص به انکشاف خلاف داخل وقت کنیم از جهت قسمت تحری تعارض پیدا می‌شود بین صحیحه حلبی و صحیحه سلیمان بن خالد پس نمی‌توان گفت صحیحه حلبی مختص به انکشاف خلاف در وقت است.

وقتی اشکال اقای خویی به اختصاص صحیحه حلبی به داخل وقت تمام نباشد، استدلال به صحیحه حلبی برای تقیید روایات مطلق سابق همچنان باقی خواهد ماند چون مدلول صحیحه حلبی در موارد تحری چه داخل چه خارج وقت اعاده لازم نیست و در موارد عدم تحری اعاده واجب است حتی در انکشاف خلاف خارج وقت و وجه تقیید همچنان باقی است مگر اینکه در جواب استدلال به صحیحه حلبی در تقیید وجه شیخ انصاری در کتاب الصلاه را بیان کنیم.

### [بیان شیخ انصاری در جواب از استدلال به صحیحه حلبی]

صحیحه حلبی با تعلیلی که دارد تمام المناط را برای اعاده و عدم اعاده تحری می‌داند؛ ولی ایشان فرموده است ممکن است تفصی کنیم از این اشکال به اینکه در صحیحه حلبی تمام المناط تحری و عدم تحری ذکر شده است و به حسب الفاظ وارده در صحیحه حلبی در انحراف کثیر، تحری سبب و ملاک عدم اعاده است؛ ولی متفاهم عرفی به مناسبت حکم و موضوع این است که عنوان تحری خصوصیت ندارد و این روایت می‌فرماید که شخص در نمازی که در غیر قبله می‌خواند مقصر است یا غیر مقصر است؛ اگر شخص مقصر باشد بایدنمازش را اعاده کند ولی اگر تقصیری ا زاو صادر نشده باشد بلکه از روی عذری این کار از او صادر شده – که عنوان عذر هم شامل متحری و هم شامل جاهل و ناسی و غافل می‌شود - لذا اگر شخص معذور و غیر مقصر باشد ولو نمازش رو به قبله نبوده است در اینصورت نماز اعاده ندارد ولو عنوان تحری ذکر شده است ولی مقصود عدم تقصیر فی تشخیص قبله است نه اینکه تحری موضوعیت داشته باشد بنابر این معنای روایت مشکلی در بین نخواهد داشت و منافاتی با بقیه روایات ندارد:

 «و یمکن التفصّی عن الأولی: بأنّ الظاهر أنّ المعلّل بالتحرّی راجع إلی عدم التقصیر فی تعرّف القبلة، فوجوب الإعادة علی الأعمی لأجل التقصیر بخلاف القوم، و لا ینافی تقصیر الأعمی صحّة صلاة المأمومین، لأنّ الظاهر عدم اطلاعهم علی کونه مقصّرا فی الفحص و قیامه علی نحو قیامهم من غیر مستند شرعی. و عن الثانیة: بضعف ما استفید من العموم المذکور کما لا یخفی» [[9]](#footnote-9)

پس صحیحه حلبی تمام المناط را تقصیر و عدم تقصیر قرار داده است و این عنوان عدم التقصر همانطورکه شامل تحری می شود، شامل صلات از روی نسیان و غفلت وجهل نیز می شود ، منتهی صحیحه حلبی اطلاق دارد و به نحو مطلق فرموده است در صورت تحر ی وعدم التقصر اعاده واجب نیست اطلاق دارد از حیث انکشاف در وقت و انکشاف خلاف در خارج ، اطلاقش را به لحاظ انکشاف خلاف داخل وقت از او میگیریم بوسیله سایر روایات \_مثل روایت سلیمان بن خالد یا روایات در مطلق معذور وارد شده است که تفصیل بین انکشاف خلاف داخل و خارج وقت داده بودند \_ به این ترتیب آن روایات مثل عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله مقید صحیحه حلبی خواهد شد نه اینکه صحیحه حلبی مقید انها باشد لذا صحیحه حلبی مطلق حساب می شود نسبت به آن روایات و نتیجه همان می شود که اعلام در تعلیقه عروه فرموده اند که در موارد غفلت ، نسیان و جهل اگر انکشاف خلاف در خارج وقت بشود اعاده واجب نیست ولی اگر انکشاف خلاف در وقت بشود اعاده واجب است.

1. دوشنبه،16 مهرماه،1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‏4، ص318: «وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍعَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي الْأَعْمَى يَؤُمُّ الْقَوْمَ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ قَالَ يُعِيدُ وَ لَا يُعِيدُونَ فَإِنَّهُمْ قَدْ تَحَرَّوْا.» [↑](#footnote-ref-2)
3. موسوعة الإمام الخوئي، جلد: ۱۲، صفحه: ۵۶ :« الثانية:صحيحة الحلبي عن أبي عبد اللّٰه (عليه السلام): «في الأعمى يؤم القوم و هو على غير القبلة، قال: يعيد و لا يعيدون، فإنّهم قد تحروا»فانّ‌ تعليل إعادته دونهم بتحرّيهم دونه يدلّ‌ على دوران الصحة مدار التحري و الاجتهاد، فبدونه تجب الإعادة، و مقتضى الإطلاق عدم الفرق بين الوقت و خارجه. و فيه:أنّ‌ ظاهر الصحيح أنّ‌ الانكشاف للأعمى إنّما كان في الوقت و بعد الفراغ من الصلاة، من جهة أخبار المأمومين إيّاه الذين قد تحروا فلا يشمل خارج الوقت. » [↑](#footnote-ref-3)
4. الوافي، جلد: ۸، صفحه: ۱۲۴۳:« لعل تحريهم اعتمادهم عليه و لو كان الأعمى تحرى أيضا كما تحروا لم يعد» [↑](#footnote-ref-4)
5. جواهر الکلام (ط. القدیمة)، جلد: ۱۴، صفحه: ۸ « و احتمال أن إعادته دونهم للتقصير في الاجتهاد و عدمه و إن كان قد ظهر خطأ الجميع في استقبالهم بعيد، إذ فرض الأعمى الرجوع إليهم في القبلة» [↑](#footnote-ref-5)
6. تبیان الصلاه ، ج3 ص 193 [↑](#footnote-ref-6)
7. همان [↑](#footnote-ref-7)
8. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَكُونُ فِي قَفْرٍ مِنَ الْأَرْضِ فِي يَوْمِ غَيْمٍ فَيُصَلِّي لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ ثُمَّ تُصْحِي فَيَعْلَمُ أَنَّهُ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدْ صَلَاتَهُ وَ إِنْ كَانَ مَضَى الْوَقْتُ فَحَسْبُهُ اجْتِهَادُهُ. [↑](#footnote-ref-8)
9. کتاب الصلاة (انصاری)، جلد: ۱، صفحه: ۴۵۷ [↑](#footnote-ref-9)